

بسم الله الرحمن الرحيم

فرهنگ
جغرافیای تاریخی نیشابور

دکتر سید حسین مجتبوی

جواد محقق نیشابوری

حسن نظریان

دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور

سرشناسه	:	مجتبوی، سیدحسین
عنوان و نام پدیدآور	:	فرهنگ جغرافیای تاریخی نیشابور / نویسنده حسین مجتبوی ، جواد محقق نیشابوری ، حسن نظریان.
مشخصات نشر	:	نیشابور: دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد نیشابور، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	:	۱۸۴ ص.
شابک	:	۸۰۰۰۰ ریال ۹78-964-10-2167-4
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	نیشابور
موضوع	:	نیشابور -- جغرافیای تاریخی
شناسه افزوده	:	محقق نیشابوری، جواد، ۱۳۳۹ -
شناسه افزوده	:	نظریان، حسن، ۱۳۱۹
شناسه افزوده	:	دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور
رده بندی کنگره	:	DSR ۲۱۲۳/۲ ی ۱۳۹۲۵۶ ۳
رده بندی دیویی	:	۸۲۵/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۱۱۶۷۳۳

فرهنگ جغرافیای تاریخی نیشابور

مؤلفان: سیدحسین مجتبوی، جواد محقق نیشابوری، حسن نظریان

mohaghegh60@ymail.com ، drmojtabavi@yahoo.com

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۲

تعداد صفحات: ۱۸۸

قطع کتاب: وزیری

شمارگان: ۱۵۰۰ جلد

چاپ: دانشگاه فردوسی مشهد

طراح جلد: مهندس ولیداد (mohamad_3853@yahoo.com)

حروفچینی: گلگونه (۰۵۱۱-۸۴۱۵۵۱۵)

دفتر انتشارات واحد: نیشابور - خیابان پژوهش - مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۲۱۶۷-۴

حق چاپ محفوظ است.

فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۵
مقدمه: دیرینگی ایران، مرکزیت علمی خراسان و جایگاه نیشابور	۹
الف - پژوهشگران ایرانی	۱۲
ب - محققان غیرایرانی	۱۴
نامها و عنوانهای نیشابور	۱۷
موقعیت و طبیعت نیشابور	۱۸
گستره نیشابور کهن	۲۱
موقعیت تجاری و اقتصادی نیشابور	۲۲
دستاوردهای هنری	۲۶
الف - سفالگری	۲۶
ب - فلزکاری	۲۷
پ - شیشه‌گری	۲۸
ت - بافندگی	۲۹
ث - قلمکارسازی	۳۰
ج - تزیینات معماری	۳۱
چ - نقاشی	۳۱
نهادهای علمی و فرهنگی نیشابور	۳۳
الف - مدارس	۳۷
ب - کتابخانه‌ها تا دوره تیموریان	۳۸
پ - مساجد از آغاز ورود مسلمانان تا دوره تیموریان	۳۹
ت - خانقاه‌ها	۳۹
جاذبه‌های علمی شهر و آفاق گسترش آن	۴۰
دودمانهای دانشور و فرهنگ‌پرور	۴۲
رویدادنگاری و تاریخ	۴۴
دوره اساطیری	۴۴
دوره باستان	۴۴
دوران تاریخی قبل از اسلام	۴۵

۴۷		قرن اول هجری
۴۸		قرن دوم هجری
۴۹		قرن سوم هجری
۵۰		قرن چهارم هجری
۵۲		قرن پنجم هجری
۵۵		قرن ششم هجری
۵۷		قرن هفتم هجری
۵۹		قرن هشتم هجری
۶۱		مردان نام‌آور
۶۴		زنان نامدار
۶۶		کتاب‌شناسی نیشابور
۷۱		فرهنگ جغرافیای تاریخی نیشابور
۱۸۲		منابع و مآخذ

پیش‌گفتار

تدوین «جغرافیای تاریخی نیشابور» در زمانی معین و محدود، کاری دشوار و اقدامی بی‌باکانه است. اما چه می‌شود کرد؟ سالها و سالهاست از فرط عظمت کار کسی دست به اقدامی اساسی نمی‌زند. عقل حکم می‌کند که به قول استاد دکتر شفیعی کدکنی «برای بازسازی [تاریخ] این نیشابور به هر وسیله‌ای که امکان‌پذیر است، پاره‌ای از این موجودیت را بدست آورد و بررسی کرد و شناخت؛ درست مانند قدحی بلورین از میراث لیاکان تو، که بر سنگ شکسته است و هر پاره‌ای از آن در گوشه‌ای افتاده (تاریخ نیشابور الحاکم، پیشگفتار) و این کار امکان ندارد. الا اینکه گروهی چند ده نفره طی ده بیست سال این مهم را به انجام رسانند. سودای چنین کاری همیشه در ضمیر اهل فرهنگ و تاریخ و خصوصاً تحصیل‌کردگان نیشابور کنونی و ساکن در آن بوده است. تأسیس «مرکز نیشابورشناسی» و سپس «بنیاد دایره‌المعارف نیشابور» حاصل همین آرمان و سودا بوده است و اقداماتی قابل توجه و تحسین نیز صورت گرفته است، اما حرکت‌های کند و آرام در این اقیانوس پهناور معلوم نیست کی و چگونه رهرو را به ساحل می‌رساند. راهی جز این نیست که دل به دریا زد و افتان و خیزان رفت. تدوین این کتاب از زمره همین دل به دریا زندهاست.

بر نویسندگان و پژوهشگران این مجموعه روشن است که سهم و حجم کاستی‌ها و راههای نرفته بسیار بسیار بیشتر از آن است که پیموده شده است. از همین رو بوده است که چارچوب این مجموعه، محدود و معین شده است تا راهی به دهی برده شود:

۱- آنگونه که از نام این پژوهش پیداست نویسندگان این مجموعه در جستجوی مدخل‌هایی جغرافیایی بوده‌اند که در متون کهن جغرافیایی و تاریخی برای نیشابور در نظر گرفته شده و ردپایی از آنها در آن متون بوده است. پس نام هیچیک از روستاها و اماکن جغرافیایی امروز در این مجموعه دیده نمی‌شود الا اینکه ابتدا در متون کهن از آنها یاد شده باشد و سپس یادآوری شود که آن نام و

مکان امروز نیز بجای است.

۲- نیشابور کهن با محدوده‌ای جغرافیایی به اندازه سه خراسان کنونی و بخشهایی از خراسان بزرگ است ولی ما در این مجموعه حتی‌المقدور به نام‌هایی بسنده کرده‌ایم که در موقعیت جغرافیایی نیشابور کنونی واقع بوده‌اند. اگر روزی همه نامهای مناسب به نیشابور کهن را به چاپ بسپاریم حجمی معادل چند مجلد خواهد بود که اکنون از حوصله این پژوهش خارج است.

۳- در این پژوهش هر مدخل جغرافیایی اعم از روستا، مدرسه، مسجد، خانقاه، برج، رودخانه و... مدنظر بوده است اما گاه پیوند مکان با اشخاص آنچنان مستحکم بوده که پژوهشگران ناگزیر شده‌اند درباره برخی اشخاص توضیح بیشتری بدهند مثلاً اکثر مدارس یا کتابخانه‌ها به نام شخصیتی علمی بوده است که عدم توضیح مختصر درباره او، معرفی مکان را با کاستی روبرو می‌کرده است.

۴- از آنجا که خوانندگان این اثر بیشتر پژوهشگران و دانشجویان هستند و این کار از سوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور سامان داده شده است، شیوه بیان متن‌ها خیلی عامیانه و عمومی نیست و از ادبیات انشایی پرهیز شده است اگر چه آن نیز در جای خود لطفی دارد.

۵- در لابلای پایان هر مدخل، سند هر مطلب با فاصله پس از علامت (←) آمده است و برای کم کردن حجم سطرها فقط نام کتاب و سپس از یک ویرگول شماره صفحه آمده است. هر کس بخواهد مشخصات دقیق اثر را بیابد باید به فهرست منابع در پایان کتاب مراجعه کند. اگر کتابی که به آن ارجاع شده، بیش از یک جلد بوده، بین صفحه و جلد علامت (/) آمده است. مثلاً: معجم البلدان، ۳۰۴/۵

۶- از آنجا که مدخل «نیشابور» اساسی‌ترین و گسترده‌ترین مدخل در این مجموعه بوده است آن را از متن اصلی جدا و به مقدمه کتاب منتقل کرده‌ایم تا هم هیأت فرهنگنامه عوض نشود و هم مطالعه آن نمایی کلی از نیشابور بدست خوانندگان بدهد.

۷- در ذیل مدخل «نیشابور» هر جا نام مدرسه، مسجد، خانقاه یا کتابخانه‌ای بوده است، فهرست‌وار آمده است اما در متن اصلی کتاب فقط به مدخل‌هایی پرداخته

شده که اطلاعات بیشتری از آنها در دست بوده است.

۸- پیدا کردن تلفظ برخی از مدخل‌ها کاری دشوار و وقت‌گیر بوده است و پژوهشگران سعی کرده‌اند شکل صحیح آن را استخراج کنند در عین حال هم در این مورد و هم در توضیح متن‌ها نقطه نظرات صاحب‌نظران بسیار راهگشا خواهد بود.

۹- تردیدی نیست که تکمله این پژوهش چه از سوی همین پژوهشگران و چه از سوی دیگران انجام شود نتیجه‌ای درخشان‌تر دربردارد آنچه ما اکنون می‌توانیم بر آن تکیه کنیم این است که همین مقدار کار با دقت، صداقت و استناد بر منابع موثق گردآوری شده و می‌تواند پله‌ای باشد برای ایجاد پله‌های بعدی.

۱۰- از متولیان و مسؤولان دانشگاه آزاد اسلامی نیشابور و شورای پژوهشی آن، بخاطر ورود به چنین پژوهش‌هایی صمیمانه قدردانی می‌شود.

۱۱- از مشاوره علمی و همفکری همکار ارجمندمان آقای دکتر عباسعلی تفضلی بهره‌مند بودیم، از الطاف ایشان سپاسگزاریم.

الحمد لله أولاً و آخراً

دکتر سید حسین مجتبوی

جواد محقق نیشابوری

حسن نظریان

مقدمه

حسن نظریان

دیرینگی ایران، مرکزیت علمی خراسان و جایگاه نیشابور

ایران به عنوان یکی از کهن ترین تمدنهای جهان^۱ توانسته است همه تاخت و تازها را از سر بگذراند و همه عناصر بیگانه را در خود بگوارد و با این همه هم چنان پایدار بماند. با فشارهای دایم و هجومهای مستمری که از همه سو به این سرزمین وارد می شده است، از آن به عنوان «گذرگاه حوادث» یاد کرده اند.^۲ این سرزمین مانند صخره ای عظیم است که در گذرگاه سیلی دراز آهنگ و پیچان و زمین کن افتاده باشد و هر چند سدت و فشار امواج این سیل به تدریج از هر سو کناره های این صخره را می ساید و می فرساید، باز وی، سیل را از سر می گذراند و با کناره هایی که دندان دندانه شده است، همچنان در سر جای خویش و در میان بستر آکنده از موج و کف و سنگ و ریگ باقی می ماند و به قدر خویش در حرکت و شتاب سیل (که به ندرت، مدتی کوتاه قطع می شود) تعادل به وجود می آورد.^۳ ایران کشوری است با بار بسیار سنگین تاریخی و سنت های متراکم حاصل از دوران پیش از اسلام و بعد از آن که تجربه چند هزار ساله قوم ایرانی را در یکی از پرمشغله ترین نقطه های تاریخ ساز دنیا تبدیل به یک مجموعه حکمت و عبرتی کرده که حاصل برخورد برهنه و مستقیم با زندگی است و از عمق قضایا خبر می آورد.^۴ ایرانیان، پس از ظهور اسلام، وحی اسلامی را پذیرفتند و سپس خود مرکز اشاعه فرهنگ اسلامی برای تمام ملل شرق شدند. آنان روح وحی اسلامی را در خود جذب کردند و برخی از بزرگ ترین شاهکارهای هنری و فکری اسلامی را

۱- داریوش آشوری، ما و مدرنیت، انتشارات صراط، چاپ اول ۱۳۷۶ ص ۱۶۰

۲- عبدالحسین زرین کوب، روزگاران ایران، انتشارات سخن، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ج ۱ ص ۹

۳- همان جا ص ۱۲

۴- محمد علی اسلامی ندوشن، ایران چه حرفی برای گفتن دارد، شرکت انتشار چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۴۴ و ۶۹

به وجود آوردند.^۱ در حقیقت برتری آنها چندان بارز بود که پس از سال ۱۳۳ هـ ۷۵۰/م تقریباً همه شخصیت‌های برجسته اسلام ایرانی تبار بودند.^۲

جورج سارتن ضمن بحث و معرفی دانشمندان مسلمان در نیمه اول سده نهم میلادی، می‌آورد که جز «کندی» همه دانشمندان مسلمان این عصر از ایران یا خراسان برخاسته بودند.^۳ ویل دورانت، می‌گوید قرن دهم مشرق اسلامی را در تاریخ عقل انسانی، باید یکی از قرون طلایی تاریخ خواند.^۴ خراسان در قرن پنجم هجری از نظر رواج جریان‌های مختلف کلامی و فلسفی از پر رونق‌ترین سرزمین‌های اسلامی بوده است.^۵ اساساً خراسان قبل از حمله ویرانگر مغول مهد فرهنگ ایران بود.^۶ گفته شده است که گنجینه بیت الحکمه بغداد با ۱۰۰ بار شتر شتر کتاب که از خراسان آمده بود غنی تر شد. در سده ۶ ق / ۱۲م اعتبار حوزه‌های حدیث خراسان و ماوراءالنهر هنوز آن اندازه بود که محدثانی را از اقصی نقاط جهان اسلام حتی اندلس به این منطقه بکشاند.^۷

اما در این میانه سهم و نقش نیشابور چیست؟ «سُبکی» مورخ بزرگ عرب می‌گوید نیشابور از مهمترین و بزرگ ترین شهرهای اسلامی و پس از بغداد در بین همه شهرهای بزرگ اسلامی بی مانده بوده است.^۸ ارکیا کرنل پژوهشگر

۱- سید حسین نصر، ایران پل فیروزه، ص ۳۱

۲- ماجد فخری، سیر فلسفه در جهان اسلام، ترجمه اسماعیل سعادت، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول ۱۳۷۲، ص ۵۳

۳- جورج سارتن، مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه حسین صدیقی فشار، ۱۳۵۳ ج ۱ ص ۶۳۹

۴- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم پاینده، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ج ۴ ص ۳۰۹

ویراسته ۲ چاپ ۲

۵- عبدالرحمن بدوی، تاریخ اندیشه‌های کلامی، ترجمه حسین صابری، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی،

چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۷۰۸

۶- اصغر دادبه، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰ ص ۶۱۶

۷- همان جا، ص ۶۵۸

۸- عبدالرحیم غنیمه، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسانلی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۲،

آمریکایی می‌گوید از زمانهای پیروزی مسلمین تا قرن دوازدهم میلادی، نیشابور یکی از مهم ترین شهرهای دنیای اسلام به شمار می‌رفت.^۱ از نظر مرکزیت و اهمیت علمی، پایگاه نخستین علوم اسلامی بوده و با هیچ یک از بلاد کوفه و بغداد و ری و گرگان و اصفهان و شیراز و کرمان و سیستان و هرات و مرو و سمرقند و بخارا و امثال آن قابل مقایسه نیست.^۲ نیشابور چه از لحاظ فرهنگی و چه از لحاظ وقایع یکی از عبرت انگیزترین تاریخ‌ها را دارد. اگر سرگذشت آن نوشته شود، گویا ترین فصل تاریخ ایران بعد از اسلام را در برخواهد گرفت.^۳ کمتر شهری در سراسر ایران می‌توان یافت که به اندازه نیشابور عبرت انگیز و پرخطره و بارور باشد. شهر پر شکوه و نازنین که روزگار، مانند پهلوانان تراژدی، بزرگترین عزت‌ها و بزرگترین خواری‌ها را بر او آزموده است.^۴ فروزانفر شهر نیشابور اواخر قرن چهارم و قرن پنجم را یکی از مراکز علمی و دینی بزرگ جهان ذکر می‌کند که وسایل تحصیل از هر جهت برای طالب علمان و خداجویان صوفی نهاد فراهم نموده چنانکه از هر سو بدان روی می‌نهادند.^۵ زرین کوب نیز نیشابور را از سنگرهای کهن تصوف می‌داند.^۶

نیشابور، بارها آماج تند بادهایی سهمگین بوده است؛ روزگاری با خاک یکسان

۱۳۷۲، ص ۱۱۲

۱- ارکبا کرنل در مقدمه بر «نخستین زنان صوفی» از عبدالرحمن سلمی، ترجمه مریم حسینی، نشر علوم چاپ اول

۱۳۸۵، ص ۹۸

۲- عبدالحمید مولوی، آثار یاستانی خراسان، ناشر انجمن آثار ملی ۱۳۵۵

۳- محمد علی اسلامی ندوشن، صفیر سیمرغ، انتشارات توس ۱۳۵۲ ص ۲۸۸

۴- همان‌جا، ص ۲۵۱

۵- بدیع الزمان فروزانفر، مقدمه بر رساله قشیریه عبدالکریم قشیری، ناشر شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم

۱۳۸۵ ص ۲۱

۶- عبدالحسین زرین کوب، تصوف ایرانی در منظر تاریخی آن، ترجمه مجدالدین کیوانی، انتشارات سخن، چاپ دوم

۱۳۸۵، ص ۶۳

شده است؛ اما همواره ققنوس وار از میان خاکسترهای خویش، بشکوه و بلند، سربرآورده و بالا برافراخته است. جان نیشابور^۱، جان ایران است. اگر روزگاری نیشابور از میان برود تو گویی ایران زمین از میان رفته است چون نیشابور نماد جاودانگی ایران شهر است.^۲ با عنایت به آن دیرینگی و هیمنه فرهنگی و شکوهمندی کارنامه ایران زمین، و با توجه به مرکزیت و کانونی بودن خراسان در تمدن اسلام و موقعیت ویژه نیشابور به راستی که حق با استاد شفيعی کدکنی است که این چنین برآید. این نیشابور، در نگاه من، فشرده ای است از ایران بزرگ، شهری در میان ابرهای اسطوره و نیز در روشنای تاریخ، با صبحدمی که شهره آفاق است. از یک سوی لگدکوب سم اسب‌های بیگانه، در ادوار مختلف، و از سوی دیگر همواره حاضر در ستر تاریخ.^۳

برای پی بردن به اهمیت تاریخی نیشابور و بزرگان آن در تمدن ایران و تمدن اسلام و نیز موقعیت آن در روند تکاملی تمدن جهان، یکی از مطمئن ترین شیوه‌ها این است که حاصل سخن پژوهشگران صاحب نظری را بخوانیم که سالهای بسیار، جای جای گذشته این کانون پر جوش و خروش فرهنگی و شخصیت‌های برخاسته از آن را کارشناسانه مورد مذاقه و تحلیل قرار داده اند.

الف: پژوهشگران ایرانی:

- نیشابور از بزرگ ترین مراکز علمی بوده و در قرون اولیه اسلامی بیش از

۱- در متون کهن همه جا، نیشابور، به صورت «نیشابوره آمده است و هم اکنون نیز در گرایش محلی، «نیشابوره تلفظ می شود. برخی معاصران به همین لحاظ آن را «نیشابوره ضبط می کنند.

۲- میر جلال الدین کزازی، هفت شهر عشق، به اهتمام هادی تکبیری، انتشارات وازگان خرد، چاپ اول ۱۳۸۳، ص

۳- محمد رضا شفيعی کدکنی، مقدمه بر تاریخ نیشابور تألیف حاکم نیشابوری، انتشارات آگه، چاپ اول ۱۳۵۷، ص